

گزارش «شرق» از آنچه دیروز در دانشگاه هنر پردیس باغ ملی گذشت

# رفتار عجیب مدیریت و نزاع بر سر مقنعه



چند روزی از التهاب دانشگاه هنر پردیس باغ ملی بر سر دستور اجباری شدن نوع پوشش مقنعه می‌گذرد. ماجرای که طی آن به دانشجویها اعلام شده بود از شنبه بیست‌وهفتم خرداد شرط ورود به دانشگاه پوشش مقنعه برای دختران خواهد بود. موضوعی که منجر به تجمع برخی دانشجویها در این دانشگاه شد و طبق اعلام کانال‌های اطلاع‌رسانی دانشگاه، صبح شنبه ۱۰ نفری از دانشجویها جلوی در دانشگاه دستگیر شدند که البته با وجود آنکه رسانه مستقل دانشگاه هنر از آزادی هر ۱۰ نفر خبر داده بودند اما همچنان دانشجویها تنها از آزادی تعدادی از همکلاسی‌های خود آن هم با ضبط تلفن همراه خبر دادند.

### فضای امنیتی حاکم بر اطراف دانشگاه

فضای امنیتی جلوی در دانشگاه و حضور تعداد زیادی لباس شخصی، همچنان نشان از وجود التهاب در این محیط دارد. حالا بعد از انتشار خبر بازداشت چند دانشجو کمتر دانشجویی در این خیابان تردد می‌کند. بعضی از زنان با شال از در دانشگاه بیرون می‌آیند و برخی دیگر هنگام نزدیک شدن به در اصلی دانشگاه مقنعه‌ای سر می‌کنند تا بدون حاشیه وارد دانشگاه شوند.

یکی از دانشجویها از شروع برخوردهای صبح شنبه این‌طور می‌گوید که: «ما حدودا نزدیک ۱۵،۱۰ نفر بودیم که داشتیم به سمت دانشگاه می‌آمدیم، بدون اینکه هیچ سروصدا و حتی شعاری جلوی دانشگاه رسیدیم که لباس شخصی‌های خانم و آقا شروع به هل‌دادن و گرفتن پسرها کردند. ما دخترها خواستیم جلوی آنها را بگیریم تا پسرها را نزنند که با ما هم برخورد کردند. پنج تا از بچه‌ها را که یک دختر و چهار پسر بودند، سوار ون کردند. یکی از پسرها موی بلندی داشت. از موهایش گرفتند، کشیدند و به داخل ون پرت کردند. بعد از آن جلوی دانشگاه سروصدا شد. بدون توجه به اینکه چه چیزی سرمان است، گفتند داخل دانشگاه بروید. اصلا به این موضوع که

## گردن شکنی به حکم قانون؟



فرمانده جدید نیروی انتظامی استان مازندران اعلام کرد: «اگر کسی خواست ناهنجاری کند، به حکم قانون گردنش را بشکنید، پاشخش هم با من!».

آن‌گونه که قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی حق دادخواهی، حق داشتن وکیل و حق محاکمه در دادگاه صالح و طی دادرسی عادلانه را به‌عنوان حقوق شهروندی پیش‌بینی کرده، آیا نیروی انتظامی چنین اختیاری دارد؟

سکوت وزارت کشور، استاندار و نیز دادستان شهرستان مرکز استان مازندران در قبال این دستور فرمانده جدید نیروی انتظامی استان مازندران که نقض صریح حقوق عامه (حقوق شهروندی- محسوب می‌شود و بر مبنای اصل هشتم قانون اساسی که امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت و مسئولان اجرایی را وظیفه همگانی دانسته، به‌عنوان یک شهروند، اعتراض خود را درباره نقض صریح حقوق عامه، به دلایل ذیل اعلام می‌کنم:

**۱-حکم به مجازات و اجرای آن مختص دادگاه صالح**

طبق اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۷۸ طی نظریه شماره ۷/۳۲۶/۱۳ اعلام کرد «با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اثبات جرم و تعیین کیفر و اجرای مجازات باید تنها از طریق دادگاه صالح صورت گیرد و اصول ۶۱، ۵۷، ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی نیز مؤید همین نظر است؛ بنابراین مقررات مربوط به تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی مصوب ۱۳۳۶ و اصلاحات بعدی آن که مخالف این اصول هستند، ملغا است و از درجه اعتبار قانونی ساقط است.».

## فرجام سقوط طبقه متوسط

### ادامه ازصفحه اول

از سوی دیگر، برخی از فرادستانی که در ارتش، دیوانسالاری، دستگاه قضائی، محیط دانشگاهی و دنیای کسب‌وکار بودند، دموکراسی وایمار را نمی‌پذیرفتند و در پی بازگشت به جامعه اقتدارگراتر و تحت اختیار فرادستان، از آن نوعی بودند که در دوران صدرامتز معروف قرن نوزدهم اوتو ون بیزمارک حکم می‌راند. اما فرادستان، افسران و دیوانسالاران آلمانی چرا با تجربه تشکیل طبقه متوسط در جمهوری وایمار تا این حد مخالفت می‌ورزیدند؟ آنها اکثرا ویژگی‌های مشابهی داشتند و ریشه‌هایشان به اشرافیت زمین‌دار بازمی‌گشت. گروه‌های زمین‌دار غالبا تقویت جامعه و شروع دموکراسی را نوعی بازی با حاصل جمع صفر می‌دانستند و برای این دآوری دلایل موجهی داشتند. درحالی‌که صاحبان صنایع و حرف، مالک سرمایه‌هایی (در شکل خیرگی، دانش و مهارت) بودند که حتی با تحولات اقتصادی ارزشمند باقی می‌ماندند و برای آنها حتی فرصت‌هایی نو با موضوعیت سیاسی فراهم می‌آورد. از سوی دیگر در مورد زمین‌داران چنین نبود؛ برخلاف کارخانه‌های صاحبان صنایع که به دلیل تحولات اقتصادی پیش آمده قدرت و ارزش روزافزونی را به دست می‌آوردند، اراضی زمین‌داران می‌توانست دیگر آن اهمیت قبل را نداشته باشد؛ بنابراین آنها از این پویایی‌ها می‌ترسیدند. درواقع بسیج اجتماعی غالبا با تقاضاهایی برای سلب مزایای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زمین‌داران همراه می‌شود و در جمهوری وایمار نیز شرایط چنین بود. زمین‌داران همچنان به درستی از سیاست دموکراتیک می‌ترسیدند؛ زیرا نقطه تزلزل سیاست را به جایی دور از آنان انتقال می‌داد. تمامی این موارد،

مقنعه‌ای سر نداشتیم کاری نداشتند، چون نمی‌خواستند جلوی دانشگاه شلوع شود. البته به بچه‌های دیگر که بعد از ما وارد دانشگاه شدند گفته بودند از فردا باید مقنعه سر کنید، چون امروز، به‌جز تعدادی، بیشتر بچه‌ها شال سرشان بود».

طبق روایت دانشجویها از حدود ۹ صبح با حضور گارد ویژه فضای اطراف این دانشگاه امنیتی شده و با وجود اینکه گارد ویژه با دانشجویها برخوردی نداشته اما افراد لباس شخصی برای برخورد با دانشجویها اقدام کردند. حتی طبق اظهار برخی دانشجوها، با والدین برخی دانشجویهایی که در داخل دانشگاه تحمن کردند، تماس گرفته شده تا فرزندشان هر چه زودتر از دانشگاه بیرون بیاید. روایت بیشتر دانشجویها از فضای داخل دانشگاه نشان از پابرجایی التهاب داخل دانشگاه دارد.

### نکرات ممنوع‌الورودی

با وجود آنکه تعدادی از دانشجویها ظهر شنبه آزاد شدند اما همچنان بسیاری از دانشجویها نگران شناسایی و در پی آن ممنوع‌الورودی به دانشگاه هستند. حتی پنجشنبه گذشته هم شورای صنفی دانشگاه هنر در کانال تلگرامی محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند»، بنابراین، شهروند تا قبل از محاکمه در دادگاه صالح، مجرم نیست و طبق ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، حتی «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به‌عنوان متهم احضار یا جلب کند». حال، وقتی بازپرس به‌عنوان مقام قضائی، آن‌هم بعد از کشف جرم از طرف دادستان و ارجاع پرونده به بازپرسی، نمی‌تواند متهم را بدون دلیل کافی احضار کند، نیروی انتظامی که صرفا مجری دستورات دادستان در حد ضابط دادگستری است، چگونه قادر خواهد بود با نقض اصل برائت، شهروند را محاکمه و هم‌زمان مجازات کند!؟

**۳-نقض حق دادخواهی**

براساس اصل ۳۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد». نیروی انتظامی، در صورت اجرای این دستور فرمانده خود، با صراحت این اصل مترقی قانون اساسی را نقض می‌کند. در راستای این اصل، رأی شماره ۴۲۵ مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، تثبیت حق یا سلب و زوال آن را منوط به حکم قانون‌گذار می‌داند؛ بنابراین مفاد بخش‌نامه شماره ۳۰/۱۱۷/۱۰۴ مورخ ۸۱/۰۴/۰۴ فرمانده نیروی انتظامی که نتیجتا موجب سلب اراده آزاد افراد مذکور در آن بخش‌نامه…، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات فرمانده نیروی انتظامی در وضع قواعد امره تشخیص داده و ابطال می‌شود.

**۴-نقض کرامت انسان**

براساس اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق و… اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند» و طبق بند ۴ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی «با دادخواهان و اشخاص نیز بسیار نحیف و ناتوان شده بود و قادر به مقابله با زیاده‌خواهی حزب نازیسم نبود. نازی‌ها افزایش سرکوب و تضعیف بسیج اجتماعی را در دستور کار خود داشتند. بازتاب ظهور نازیسم، بروز خشنوت و افراطی‌گری، غلظیدن در جنگ خانمان‌سوز و ناپدیدشدن کشوری مدرن و پیشرفته با طبقه متوسط متراکم بود. آنچه تشریح شد، یک روایت و تجربه تاریخی بود از رفتار فرادستان و نخبگان سیاسی در مواجهه با طبقات میانی که درنهایت به غیبت یا حذف طبقه متوسط در یک جامعه مدرن و سطح بالا منجر شد.

بازگرددکن این گوشه‌های تاریخ می‌تواند تجربه‌ای گرانبها باشد. اقتصادهای زیادی در جهان شاهد نحیف‌شدن و رنجورشدن طبقه متوسط بوده‌اند. در این اقتصادها، تورم‌های افسارگسیخته طی چندین سال، قدرت خرید جامعه را به نصف تنزل می‌دهند؛ ازاین‌رو تعداد درخورملاحظه‌ای از افراد مستقر در طبقه متوسط، به محدوده خط فقر یا حتی زیر خط فقر سقوط می‌کنند. وجود شرایط مناسب اقتصادی و رشد درآمد خانوار، رکن اصلی پیدایش طبقه متوسط تنومند است. عدم همراهی و مساعدت فرادستان با طبقه متوسط منجر به رنجورشدن طبقه متوسط می‌شود و تاریخ به ما می‌آموزد این اتفاق حادثه‌ای تلخ خواهد بود.

به گواه تاریخ، وجود طبقه متوسط متراکم در هر جامعه‌ای مؤثر اصلی رشد و توسعه اقتصادی است. دولت‌هایی که محافظ و حراست از طبقه متوسط را به‌گونه‌ای شایسته انجام داده‌اند، قادر بوده‌اند اقتصاد کشور را در مسیر رشد و توسعه هدایت کنند و برعکس جوامع با طبقه متوسط ناتوان و نحیف، از دلان رشد و توسعه اقتصادی خارج شده‌اند.



**ایجاد التهابی بی‌موقع**

با وجود آنکه دانشجویها به زمان برگزاری امتحانات پایان ترم خود نزدیک می‌شوند، بسیاری از آنها این جو به‌وجودآمده در دانشگاه را باعث برهم‌خوردن

در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملا مراعات شود». در صورت اجرای این دستور فرماندهی نیروی انتظامی استان مازندران، برخلاف تجویز قانون و با نقض قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی؛ حیثیت، جان، مال و حقوق اشخاص و در یک کلام، کرامت انسان از تعرض نیروی انتظامی مصون نخواهد ماند.

**۵-تجویز شکنجه**

طبق اصل ۳۸ قانون اساسی «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود» و طبق بند ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی «هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده به این وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت». گردن‌شکنی از مصادیق شکنجه محسوب می‌شود. وقتی نیروی انتظامی به خود اجازه می‌دهد با شکستن گردن شهروند متهم به ناهنجاری (نه مجرم یا حتی متهم)، قتل نفس انجام دهد و همچنین در جایگاه قاضی، داور و مجری قانون قرار گیرد، قادر خواهد بود که مرتکب فجایع بزرگ‌تری علیه شهروند بی‌پناه شود. همان‌گونه که اکنون، دادستان و مسئولان وزارت کشور و استانداری استان مازندران سکوت را بر هرگونه واکنشی ترجیح داده‌اند؛ درآن‌صورت نیز شهروند بی‌پناه، مأمنی برای پناه‌بردن نخواهد یافت.

**۶-نقض حق داشتن وکیل**

شهروندی که قبل از محاکمه در دادگاه صالح، گردنش به دست نیروی انتظامی شکسته شده و احیانا به قتل رسیده و حتی فرصت نیافته که در دادگاه صالح حضور یابد و از حق خویش دفاع کند، چگونه و در کجا قادر خواهد بود که از حق داشتن وکیل دادگستری برای دفاع از اتهامات خویش استفاده کند؟ این دستور فرمانده نیروی انتظامی استان مازندران، نقض صریح اصل ۳۵ قانون اساسی است که «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند، برای خود وکیل انتخاب کنند و



اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود». همچنین نقض صریح ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری است که «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود» و نیز برخلاف ماده ۴۸ این قانون است که «با شروع تحت نظر قرارگرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند».

**۷-تجاوز به منافع عمومی**

طبق اصل ۴۰ قانون اساسی «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار و تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». منظور از «هیچ‌کس»، شامل «اشخاص حقیقی و حقوقی» و شامل فرماندهی نیروی انتظامی نیز هست. وقتی اصل ۳۲ قانون اساسی مانند بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با صراحت اعلام می‌کند «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد؛ مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند»؛ یعنی دستگیری افراد نه‌تنها باید به حکم قانون باشد بلکه ترتیب اجرای آن نیز باید به نحوی باشد که قانون معین می‌کند؛ بنابراین نیروی انتظامی در راستای حفظ امنیت داخلی که وظیفه ذاتی‌اش است، نمی‌تواند فراتر از قانون عمل کند. مطابق ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوبب۱۳۸۳/۰۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است».

اینکه دستور فرمانده جدید نیروی انتظامی استان مازندران، نقض صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقررات آیین دادرسی کیفری و نقض حقوق عامه (حقوق شهروندی) به‌شمار می‌رود و لازم است مسئولان وزارت کشور، استانداری مازندران و نیز دادستان شهرستان مرکز استان مازندران، واکنش سریع و قاطع در راستای حفظ حقوق عامه نشان دهند.

## هوش مصنوعی و برنامه هفتم

لازم را در بودجه سنواتی به عمل آورد. نیازی به طی فرایندهای تصویب مجدد در کمیسیون‌های دولت و مجلس و هیئت وزیران نیست.
۹- حتی الامکان سازمان جدیدی از ادغام سازمان برنامه و بودجه، سازمان اداری استخدامی کشور و سازمان فناوری اطلاعات تحت عنوان «سازمان داده‌کاوی و برنامه‌ریزی هوشمند سایبری ایران» تشکیل شود.

۱۰- در صورت تشکیل‌نشدن این سازمان، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری مکلف شود با هماهنگی سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی نسبت به تدوین برنامه و عملیاتی‌سازی «داده‌کاوی و برنامه‌ریزی هوشمند سمایبری ایران» اقدامات ذیل را به عمل آورد:

۱- تشکیل نهاد درون‌سازمانی برای طراحی، مدیریت و نظارت بر داده‌کاوی و برنامه‌ریزی هوشمند سایبری کشور
۲- هدایت کارشناسی دستگاه‌های اجرایی برای تحلیل و به‌روزرسانی هوشمند داده‌ها در راستای پیش‌بینی معادلات ساختاری و متغیرهای اساسی هر دستگاه از قبیل تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، درآمد، هزینه، مالی، آموزش و …
۳- هدایت و تقویت و تسهیل فعالیت‌های بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه هوش مصنوعی
۴- تهیه گزارش‌های دوره‌ای از پیش استراتژیک.
در این نوشتار کوتاه تنها به کلیات و سرخط‌های اصلی نظام پایش و ارزیابی، را با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط پیشنهادها اشاره شد. نیاز به مباحث تفصیلی در این باره آشکار است.

**ادامه ازصفحه اول**

۲- تقویت تحقیق و توسعه هوش مصنوعی از طریق فراهم‌آوری زیرساخت‌های تحقیقاتی، مالی، فناوری از جمله صندوق‌های تأمین مالی، تضمین حقوق مالکیت فکری، تقویت شبکه توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی، ایجاد محیط‌های آزمایشی (sand box)، کاهش خطرپذیری برای شرکت‌های فعال در این حوزه و …
۳- تسهیل دسترسی پژوهشگران، دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و شرکت‌های فعال به داده‌های بومی برای توسعه الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای گسترش خدمات مربوط به آن
۴- تقویت بنیه دفاعی-امنیتی کشور از طریق توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی

۵- گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه هوش مصنوعی به‌منظور تنظیم‌گری صلح‌آمیز بین‌المللی در این حوزه
۶- بازبینی تدابیر امنیتی در حوزه‌های گوناگون مرتبط با این فناوری توسط دستگاه‌های ذی‌ربط
۷- تهیه گزارش‌های دوره‌ای از پیش استراتژیک هوش مصنوعی در جهان و فاصله‌سنجی آن با ایران
۸- سازمان برنامه و بودجه موظف شود که برای هر یک از بندهای فوق سند سیاستی اجرایی شامل «تحلیل مسائل داده‌اند، قادر بوده‌اند اقتصاد کشور را در مسیر رشد و توسعه هدایت کنند و برعکس جوامع با طبقه متوسط ناتوان و نحیف، از تودین و ابلاغ کرده و نسبت به فرایند قانونی بودجه اقدامات